

<p><b>حدیث روز:</b></p> <p>امام حسین(ع):</p> <p>از کاری که باید از آن پوزش خواست حذر کن که مؤمن بدی نمی‌کند و عذر نمی‌خواهد و منافق هر روز بدی می‌کند و معذرت می‌خواهد.</p>	<p><b>واحه:</b></p> <p>ملکی که پریشان شد از شومی شیطان شد</p> <p>باز آن سلیمان شد تا باد چنین بادا</p>
<p><b>اوقات شرعی:</b></p> <p>اذان ظهر: ۱۳/۰۷</p> <p>اذان مغرب: ۲۰/۰۳</p> <p>اذان صبح (فردا): ۵/۰۱</p> <p>غروب آفتاب: ۱۹/۴۴</p> <p>نیمه شب شرعی: ۰۰/۲۲</p> <p>طلوع خورشید(فردا): ۰۶/۳۰</p>	

# ج‌ا‌م‌ا‌ی‌ا‌ی

■ **شاپا:** ۳۶۲۷-ISSN1۷۳۵

■ **پایگاه اطلاع رسانی:**

**www.jamejamonline.ir**

**www.jamejamdaily.ir**

■ **پست الکترونیکی:**

**info@jamejamdaily.ir**

دوشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۰ | ۱۴ محرم ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۹۰۱۳ | Monday - August 23 , 2021

■ **تهران،** بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر شماره ۱۱۹








■ **تلفن:** ۰۲۱-۲۳۰۰۴۰۰۰ | **دورنگار تحریریه:** ۲۳۰۰۴۴۳۳

■ **سازمان توزیع:** ۶۱۹۳۳۱۵ ■ **کدپستی:** ۱۹۱۹۱۸۴۱

■ **مور مشترکین:** ۶۱۹۳۳۱۵ ■ **سازمان آگهی‌ها:** ۴۹۱۰۵۰۰۰

■ **شماره پیامک:** ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ **تلفن گویا:** ۲۳۰۰۴۴۴۴

■ **چاپ:** چاپخانه روزنامه جام‌جم

<b>وضعیت آب و هوای امروز</b>								
	۲۵ / ۳۴	۱۶ / ۳۲	۱۶ / ۳۴	۳۱ / ۳۵	۲۴ / ۳۵	۱۸ / ۳۷	۱۹ / ۳۶	۱۸ / ۳۴

■ **امروز در تاریخ:**













■ **حکمت ۱۴۴:**



## تلنگر اورژانس،۱۲شب



دکتر آن روز بعد از جلسه‌گفت‌فرداشب ساعت ۱۲ بیاورژانس فلان بیمارستان در جنوب شهر جلسه بعدی را آنجا بگذاریم. گفت مردم سبک‌زندگی پزشکی را ماشین میلیاردی سوارشدن و جلسه کاری در رستوران برج میلاد می‌بینند، تو باید طرف دیگر ماجرا را هم ببینی...

ساعت ۱۲شب فردا، بیمارستانی در جنوب شهر تهران، ماشینم را کنار ماشین چهار میلیاردی دکتر در پارکینگ گذاشتم و وارد اورژانس شدم. رد لکه خون تازه روی زمین بود. جلوتر رفتم. دو جوان زیر باروی جوانی دیگر را گرفته بودند و فحش را می‌کشیدند به پرسنل اورژانس. جوان در یک نزاع خیابانی چاقو خورده بود. دکتر را پیدا کردم. با دست علامت داد که سرم شلوغ است، باش تا صحبت کنیم. ایستادم کنار ایستگاه پرستاری. گروه دیگری از جوان‌هایی که خون از سر و روی‌شان می‌ریخت آمدند داخل و همان جار و جنجال دعوی خیابانی‌شان را کشانند به اورژانس. دکتر دودید سمت‌شان. از دور مطمئن بودم که الان یک چاقو هم می‌نشانند وسط سینه دکتر اکرمی صحبت کرد. آرام شدند و جوان را خوابانند روی یکی از تخت‌ها. من فقط ۵ دقیقه وسط جایی شبیه خاکریزهای جنگی ایستاده بودم و در همان ۵ دقیقه دیدن دو جوان که دل و روده‌شان را دست گرفته بودند و یک پیرمرد که از یک تصادف، نیمه‌جان راننده بودندن بیمارستان آمد بود تا به دکتر ندا دادم هم که من می‌روم بیرون، لطفاً بیرون صحبت کنیم. دکتر که ماجرا را فهمیده بود فقط لیخن زد. بیرون اورژانس خانواده‌ای که خبر مرگ عزیزشان را شنیده بودند ضجه می‌زدند. آنجا هم نتوانستم بمانم. به دکتر پیام دادم که در پارکینگ منتظرش هستم. این را در روز پزشک نوشتم که بگویم من ۵ دقیقه‌ا اورژانس یک بیمارستان در جنوب شهر را نتوانستم طاقت بیاورم. 

## مراجعة کنید به آیه ۱۱۴ سوره بقره

اکبرزاده درباره معماری مساجد امروزی می‌گوید: در قدیم و در همان زمانی که مکتب خراسان پایه‌گذاری شد، معماری و مساجد که در اینجا موضوع صحبت ماست بر اساس اقلیم ساخته می‌شدند. معمار می‌دانست که در کدام منطقه باید حیاط را بزرگ در نظر بگیرد و اندازه حوض چقدر باشد و درها و پنجره‌ها کجا نصب شوند که در سرما و گرما کاربرد داشته باشند. اما سال‌هاست کسی به اقلیم توجه نمی‌کند و البته به معماری کاربردی و مؤثر. پول می‌گذارند و می‌گویند می‌خواهیم مسجد بسازیم با معماری کلیشه‌ای. حیاط و حوض بزرگ و اکسسوار هم هر چه شیک‌تر بهتر. در شمال و جنوب کشور که هوا مرطوب و شرجی است نباید حوض ساخت اما می‌سازند! در مصلاي تهران حوض را آنقدر بزرگ ساخته‌اند که جای آدم‌ها را هم گرفته است. حوض برای این است که دورش مردم وضو بگیرند کسی به این فکر نمی‌کند وقتی حوض بزرگ باشد، وسطش و آن‌همه آب چه می‌شود. چرا به جای یک حوض بزرگ چند حوض کوچک ساخته نمی‌شود که کاربردی‌تر و حتی زیباتر باشد. مسجد ساخته می‌شود تا درش همیشه باز باشد و مردم برای نماز و عبادت به آنجا بروند. اما در سال‌های اخیر مساجد و لوازم آن آنقدر شیک و گران شده‌اند که باید به‌جز چند دقیقه وقت نماز، در آنجا قفل شود که درد و سایلش را نبرد! آگهی گفته که مسجد باید آنقدر مجلل باشد که درش چهار قفله شود؟ نمونه‌اش مسجد ایران‌مال، شیک و لاکچری اما فقط نامش مسجد است و گرنه بیشتر اوقات اجازه داده می‌شود برای برگزاری همایش‌های مختلف. به نظم نمازخانه کوچک نزدیک میدان ونک که کف‌پوش آن موکت است و مهر دارد و تسبیح و همیشه هم درش باز است بیشتر نمازخوان دارد تا مساجدی که همیشه درشان بسته است. باز هم ارجاع‌تان می‌دهم به آیه ۱۱۴ سوره بقره.



گفت‌وگو با دکتر محسن اکبرزاده درباره معماری مساجد

## مسجد مجلل


# مناسب همایش است نه نماز

 ۵۲ سال پیش در ۲۱گوسنت ۱۹۶۹ میلادی مسجد الاقصی قبله اول مسلمانان جهان توسط صهیونیست‌ها به آتش کشیده شد. بر اثر این آتش سوزی به این مکان مقدس و تاریخی، آسیب‌های فراوان وارد شد. رژیم صهیونیستی آتش سوزی مسجد الاقصی را به یک جهانگرد استرالیایی نسبت داد و وی را دستگیر کرد اما یک دادگاه نمایشی در تل‌آویو، این صهیونیست را بیمار روانی خواند و او را آزاد کرد. آتش زدن مسجد الاقصی توسط صهیونیست‌ها موجب شد دولت‌های اسلامی برای مقابله با خطرهایی که جهان اسلام و مقدسات اسلامی را تهدید می‌کند، سازمان کنفرانس اسلامی را تشکیل دهند. از سال ۱۳۸۲/۲۰۰۳ به پیشنهاد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ایران و با تصویب وزرای خارجه کشورهای اسلامی در اجلاس تهران، ۳۰مرداد برابر با ۲۱گوست هفته جهانی مسجد نامگذاری شد.

نیست. تنها کسی که به مساجد ایرانی اعتقاد دارد و درباره این موضوع تحقیق کرده و کتاب نوشته سیدمحمد بهشتی است.

بحث را می‌برم سمت این‌که با پیشرفت فناوری و به میدان آمدن دوربین‌های دیجیتال و گوشی‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی مساجد هم بیشتر دیده می‌شوند و زیبایی‌های آنها بیشتر به چشم می‌آید. یکی‌اش مسجد نصیرالملک شیراز که الان دیگر به یکی از مساجد معروف ایران در جهان تبدیل شده است. اکبرزاده می‌گوید: همین اول بگویم که مسجد نصیرالملک را گردشگرانی که از خارج به ایران می‌آمدند (قبل کرونا) به ایرانی‌ها معرفی کردند و با رواج شبکه‌های اجتماعی این شهرت روز به روز بیشتر شد. بعد از خارجی‌ها، ایرانی‌ها هم رنگ و نور مسجد نصیرالملک را دیدند و یاد گرفتند در فضای پررنگ آن چگونه عکس بگیرند و در اینستاگرام به اشتراک بگذارند و همین باعث شد روز به روز به مراجعه‌کنندگان این مسجد افزوده شود و گرنه قبل این ماجرا کسی زیاد به این مسجد رفت و آمد نداشت و مردم محلی هم برای نماز به مسجد مشیر می‌رفتند. مسجد نصیرالملک را نصیرالملک سفارش داده و معمارش آن را بنا نگاهی به معماری و آدین بندی کلیساها طراحی کرده و ساخته است. برای اولین بار در ساخت مسجد از شیشه‌های رنگی استفاده شده و این شیشه‌ها در کنار کاشی‌های رنگارنگ، زیبایی متفاوتی به مسجد، نصیرالملک داده است. در ساخت این مسجد البته از مسجدوکیل هم کپی‌کاری شده و همچنین از ستون‌های تخت جمشید. نقل است از سازنده مسجد نصیرالملک که گفته با این بنا تصمیم دارم آتش به‌پا کنم. رنگ‌های قرمز و صورتی در این بنا زیاد استفاده شده برعکس دیگر مساجد که رنگ قالب کاشی‌ها فیروزه‌ای و آبی است. آقای نصیرالملک آدم ثروتمندی بوده که هوس کرده مسجدی به نام خود بسازد. اگر من جای او بودم به جای مسجد با همین معماری یک پاپوین و نمایشگاه می‌ساختم. چه لزومی دارد بنایی به نام مسجد با تعریف

کاربردهای خاص خود بسازی اما توقعات دیگری از آن داشته باشی. این راهم اضافه‌کنم سالی چهار پنج ماه برای بازدید از این مسجد بلیت فروخته می‌شود و در این ایام نماز جماعت در مسجد برگزار نمی‌شود که به باور من این یک حرکت ضد دین است. این اقدام برای مسجد جامع اصفهان هم رخ می‌دهد. علما هم حتی به این اقدام اعتراض کرده‌اند اما اداره اوقاف به این اعتراضات توجهی نمی‌کند. این در حالی است که در آیه ۱۱۴ سوره بقره به صراحت آمده چه کسی ستمکارتر از کسی است که راه مردم به مسجد را سد کند.

 **آرام مثل مسجد جامع نیشابور**

به اکبرزاده می‌گویم شهر من نیشابور، مسجدجامعی دارد بسیار قدیمی که در مرکز شهر قرار دارد. حیاطی بزرگ با حوضی در وسط و شبستان‌های دور حیاط و آجرکاری‌هایی که حس زندگی به آدم می‌دهند... می‌گوید: مساجد جامع نیشابور و گناباد متعلق به سبک خراسان هستند که سبکی بسیار ویژه و زیباست و کاملاً بر اساس توجه به معنویت مسجد دارند و حوض و آجر عنصر اصلی سازنده آن است. دکور و تزئینات به شدت پررنگ در این معماری جایی ندارد. از دور خطوط اصلی دیده می‌شود و زمانی که نزدیک دیوارهای شوی نقوش را می‌بینی و گره‌های آجری که به نهایت با ظرافت طراحی شده‌اند. این معماری، ساده‌است و متعادل و سرگیچه‌آور نیست. فراخ‌نایی است که مردم و مخاطب را به خود می‌خواند و زمانی که او را در آغوش خود جای داد ذره ذره زیبایی‌های خود را به او نشان می‌دهد. اما آنقدر این معماری هوشمند است که می‌داند اول به دور از هر هیاهویی باید مردم را به خود فرابخواند و به آنها آرامش بدهد. فراخوانی مقدم است به زیبایی که به یکباره به بیننده هجوم می‌آورد. این نوع معماری از قرون دوم باب شد تا قرون هفتم و هشتم ادامه داشت و بعد در دوره صفویه معماری‌ای باب شد که با معماری سبک خراسان کاملاً متفاوت بود. 



عکس‌ها: ایرنا

## برای تنهاترین زنان عالم

 در روزی که کابل به دست طالبان افتاد و فرودگاه این شهر در صدر اخبار جهان قرار گرفت و عکس‌های مردمی که به فرودگاه هجوم برده و سوار هواپیماهای آمریکایی شده بودند، در همه رسانه‌های عالم دیده شد، یک خانم ایرانی‌الاصل مقیم آمریکا، عکس هواپیمای معروف که تا بیخ پر آدم بود را استوری کرد و نوشت: این مردان کجا می‌روند؟ پس همسران، دختران، خواهران و مادران‌شان کجا هستند؟ چه بر سر آنها می‌آید؟

سوالی عمیق و پراز رنج که در آن روزهای پر تب و تاب کمتر کسی به آن توجه کرد و حتی را نه از دیگران بلکه حتی از خودش نپرسید. مردان افغان که فرار می‌کنند چه بر سر زنان این کشور می‌آید؟ زنانی که هیچ توانمندی‌ای ندارند، یعنی اصلاً امکان این را پیدا نکرده‌اند که بتوانند شوند. آنها حتی نمی‌توانند درس بخوانند و بیشتر زنان افغان حتی سواد خواندن و نوشتن ندارند. حتی نمی‌توانند از خانه بیرون بروند چه برسد به این که بروند کار کنند و بتوانند خرج و مخارج زندگی خود و فرزندان‌شان را تأمین کنند. آنها در دنیایی به شدت مردانه به دنیا می‌آیند و در سایه آنها رشد می‌کنند، بدون این‌که اجازه پیدا کنند دنیای خارج از خانه را به عنوان زن مستقل و توانمند تجربه کنند.

تاریخ تکرار شده و مثل سال‌های قبل مثل ۲۰سال قبل شرایط شد و طالبان در کشور حاکم شده، مردانی که توانسته‌اند فرار کرده‌اند و آنها که مانده‌اند در خانه‌ها پنهان شده‌اند یا آهسته می‌روند و آهسته می‌آیند تا سلامت بمانند و راستش را بخواهید زیاد هم برایشان مهم نیست که زن و بچه گرسنه‌اند یا سیر، کجا می‌خوایند و چطور بیدار می‌شوند. زنان افغان بی‌پناهند و بی‌امنی‌تر از آن چیزی هستند که رسانه‌ها منعکس می‌کنند. مظلوم‌تر و تنهاتر از عکس‌های کارت‌پستالی هستند که از آنها گرفته شده و منتشر می‌شود. زنان با برقع‌های رنگی، زانی که چهره‌شان پشت چادرهای آبی خورشنگ پنهان شده یا لباس‌های دست‌دوز افغان پوشیده‌اند که پر است از رنگ و نقوش اصیل افغانستانی. از در زاین برقع‌های خورشنگ گاهی چشمان سورمه کشیده زنان افغان دیده می‌شود که خیره به دوربین نگاه می‌کنند یا اگر دست‌شان دیده می‌شود، جنابی خورشنگ ناخن‌هایشان را رنگی کرده است. نه اینها چهره واقعی زن افغان نیست، اینها عکس‌هایی است که آگاسان یا مدل‌سازی می‌گیرند و منتشر می‌کنند و همین‌هاست که چهره واقعی زن افغانستان را قلب می‌کنند و نمی‌گذارند صدای زنان واقعی افغانستان را کسی بشنود.

آریا سعید، خواننده زن افغانستانی که با هواپیمای آمریکا از افغانستان فرار کرد هم صدای زن افغانستان نیست. او در روزهایی که افغانستان به ظاهر داشت آزادی آمریکایی را تجربه می‌کرد، به این کشور آمد، در ورزشگاه کابل برنامه اجرا کرد و راستش بار خودش را بست و در امنیت و بالبخندی بر لب و چشمانی راضی در روز بلوای افغانستان، کابل راترک کرد و بعد از آن هم هیچ خبری از او در دست نیست که حتی یک جمله یا یک کلمه درباره زنان افغانستانی بگوید که در این کشور به زندگی خود ادامه می‌دهند، نه جایی دارند که فرار کنند و نه حامی‌ای که از آنها مراقبت کند. زنان افغانستان، فقط دخترانی نیستند که اجازه یافتند برای مدتی هم که شده در مدارس و دانشگاه‌های کابل درس بخوانند یا در دستگاه‌های دولتی کار کنند. زنان واقعی افغانستان زنان سنتی هستند که در شهرها و روستاهای این کشور زندگی می‌کنند بدون این‌که از جزئیات زندگی آنها اطلاعات یا عکسی منتشر شود. زنانی که سال‌هاست در سکوت و به نوعی با چراغ خاموش به زندگی خود ادامه می‌دهند و نه از برقع‌های رنگی و لباس‌های گل‌گلی خبری دارند و نه از غذای کافی، پوشاک مناسب، تحصیل و... آنها چشم به راهند تا مردشان بیاید و برایشان قوت لایموتی بیاورد و اکنون در این شرایط بحرانی معلوم نیست که مرد بار دیگر به خانه برگردد یا نه... شاید آنها برای همیشه چشم به راه بمانند. 